نوید

«فوق العاده»

(وابسته به حزب توده ایران) سال سوم، شماره ۳۸، شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۵۷

صحنه‌ای از روزهای پرجوش و خروش خلق قبل از کودتای ۲۸ مرداد
مردم مجسمهٔ شاه تا مظهر پلیدی را سرنگون می‌کنند

دربارهٔ
کودتای امپریالیستی و ارتجاعی ۲۸ مرداد

بیست و پنج سال از کودتای امپریالیستی و ارتجاعی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که به بازگشت شاه به تخت سلطنت و تحکیم پایه‌های شوم فاشیستی امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا در میهن ما انجامید می‌گذرد. در این ربع قرن دوران طولانی استیلای ارتجاع وابسته به امپریالیسم مردم میهن ما شاهد غارت بی‌حد و بار ثروت‌های طبیعی، به ویژه نفت، استثمار وحشیانهٔ زحمتکشان و تسلط استبداد سیاه و جنایت‌ها و خیانت‌های بی‌شمارتری گردیده‌اند. اکنون که پس از گذشت بیست و پنج سال جنبش آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانهٔ مردم قهرمان ایران، پایه‌های تاج استبداد در لرزه در آورده و امپریالیسم حامی آن را به وحشت انداخته است، مقام نیروهای ملی و آزادیخواه باید با پند گیری از درس‌های تاریخ و شکست‌های تلخ گذشته، گرد هم آیند و با اتحاد خود در یک جبههٔ وسیع ضد دیکتاتوری سیل خروشان و بنیان‌کن جنبش سراسری مردم را به سوی سرنگونی رژیم استبدادی شاه رهبری کنند و این سد را از سر راه استقلال جامعهٔ ایران بردارند. اگر می‌پذیریم که شکست‌های تلخ گذشته عمدتاً از پراکندگی و نفاق میان نیروهای ملی و مترقی ناشی شده، بگوییم اکنون با اتحاد و اتفاق خود از تکرار این شکست‌ها جلوگیری

موفقیت‌های جنبش آزادی‌بخش ملی و اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی که در جریان مبارزه تحقق می‌یافت، موجبات نگرانی ارتجاع را فراهم آورد. امید این که مسئله نفت به دست دولت ملی حل شود، در نتیجه تحولاتی که در حیات اجتماعی روی داده بود، در هم ریخت. نامهٔ تراکم با امضای سیصد استرنیاور رئیس جمهوری امریکا به مصدق آخرین کوششی بود که در این راه به عمل آمد. آیزنهاور در این نامه صلاح شرایط توافق با انگلستان را به ایران دیکته می‌کرد و بخصوص از ایران طلب می‌کرد که برای اختلاف با انگلستان با ایالات متحده امریکا رابطهٔ «جنگ» پیدا کند (۱). ولی این کوشش نتیجه‌ای نبخشید، زیرا هدف‌های آزمندانهٔ ایالات متحده اکنون دیگر آشکارتر شده بود.

به این ترتیب وضع ایران صورت جدی به خود گرفته بود. مسئله تغییر رژیم سلطنت، تکیه‌گاه داخلی امپریالیسم در دستور روز قرار داشت. جبههٔ ضد امریکایی جنبش نیز آشکارتر می‌شد. روزنامهٔ «بسوی آینده» می‌نویسد:

«... امروز از سرتاسر ایران این فریاد به گوش می‌رسد: «یانکی گوهوم» ... مرد و زن دیوار شهرهای دو روزنامه یک روز دیوار خانه‌های امریکایی‌ها مردم ایران و حتی روزی نیست آنها این شعار دیده می‌شود. موج نفرت و غضب مردم جاسوسان امریکایی را تحت فشار قرار می‌دهد. جاسوسان امریکایی حسابی درد و رنج دهات ایران هم ابتلا شده‌اند...» (۲)

امپریالیسم امریکا از پیشرفت جنبش انقلابی هراس داشت. مصطفی فاتح درباره حوادث مربوط به جریان رفراندم می‌نویسد:

«در خلال این احوال در امریکا نگرانی بسیاری راجع به وضع ایران پیدا شده بود و محافل سیاسی امریکا معتقد شده بودند که نفوذ حزب توده روبه تزاید می‌باشد و اگر وضع همین طور ادامه یابد، مشاهده‌ای در پیش است که ایران در تبعیت بوده آنقدر قرار گیرد و غیر بسیار شتابی به سیاست کلی کشورهای غرب وارد آید.» (۳)

این نگرانی در تمام مطبوعات غرب نیز انعکاس یافته بود.... مجلهٔ امریکایی «نیوزویک» در ۹ آبان مقاله جالبی نوشت که در آن گفته می‌شد:

«حزب توده موفقیت‌شناسی پیدا می‌کند. تظاهرات منظم افراد این حزب در پیروزی‌ام تیرک در آن بین ۳۵ تا ۵۰ هزار نفر شرکت کرده و شمارهٔ آن‌ها از تظاهرکنندگان دیگر که طرف‌دار دولت بودند، فزونی داشت. نشانه قدرت گرفتن کمونیست‌ها در ایران می‌باشد. این حوادث نشان می‌دهد که ممکن است دیگر حکومت دولت ایران به زودی با کمونیست‌ها را در آن امور دولتی شرکت دهد و یا در مقابل آنها با شکست مواجه شود. یکی از هدف‌های حزب توده اوضاع بردن نفوذ

دنباله در صفحه ۲

اوج‌گیری تظاهرات خونین در شهرهای کشور

در حالی که روزنامه‌ها و بلندگوهای رفراندم جعلی زیر ساطور سانسور و دروغ خفقان مرگ گرفته‌اند و چشم‌های خود را به روی تظاهرات اوج گیرنده و اعتراضات توده‌ای که با همهٔ نیروی خشم و طغیان خود برگزار شد، بسته‌اند، خبرهایی که توسط یاران و خبرنگاران ما از گوشه و کنار کشور می‌رسد، حاکی از به خاک ریخته شدن خون‌های تازه، هجوم‌های بی‌رحمانهٔ گارد شاه به مردم به ستوه آمده و وسعت و رشد تبلیغات اعتراضی و آزادی‌خواهانه است. آنچه در این روزها در تهران از همه جلب نظر می‌کند، شور و تداکاری مردم در رویارویی با خطر، در سنگر با قرآن و لان استبداد و انتقامی بی‌باکانه جنایات و خیانت‌های رژیم شاه مسلوب و نیز وجه ضد امپریالیستی این خروش و جنبش خلقی است. جلوه‌هایی از این جنبش و رزم توده‌ای را در سطرهای آخر بررسی خواهید:

شهادت ۲ آزادیخواه در خرم‌آباد

در ارتباط با خبر از خرم‌آباد روز دوشنبه ۲۳ مرداد ساعت از ربع ثانیه‌های شب در خیابان‌های مختلف شهر تظاهرات باشکوه و پرخروش علیه رژیم استبدادی شاه به راه انداخته که سرانجام با هجوم وحشیانهٔ گاشت‌های مسلح شاه در میدان ورود به پارک خرم شد. تظاهرکنندگان خواستار آزادی زندانیان از آزادیخواهان و رهبران مذهبی بودند که از چند روز پیش مأموران شهربانی را متشنج خود سرانه آنها را بازداشت کرده بودند.

مشت‌های گره کرده پرچم مردم و بودند و شعارها بود و فریاد شهر را در پی داشت:

سرنگ بر دیکتاتور... تنگ بر زندان...

هجوم ماموران با اسلحه و گاز اشک آور و توسل به آتش زنانی به تظاهرکنندگان کاری از پیش نبرد، اما همین که دستهٔ گروه‌های سربازان ارتش و گارد شاه با پلیس و ژاندارمری که به طور مشترک عمل می‌کردند، متعدد از آزادیخواهان را زیر آوردند، مردم خاصی با مشت‌های گره کرده و چوب و سنگ به جنگ آنان استبداد حمله ورشدند. این نبرد خلقی در خیابان‌های هشتم بهمن، سعدی، بهمن، جمعه و چند خیابان دیگر ساعت‌ها ادامه داشت و تنی چند از تظاهرکنندگان مجروح شدند. مجروحین به بیمارستان شهر و رشید انتقال یافتند و در همین حال ده‌ها تن دیگر از تظاهرکنندگان بازداشت شدند.

نیمه‌های شب این رزم جسورانه آنگونه به خاموشی گرایید، در حالی که ماموران با فریادهای خشمگین خود شعارهای سوزان را در فضای شهر پرواز می‌دادند.

۲ جوان در تظاهرات شهسوار شهید شدند

در تظاهرات ضد استبدادی و آزادی‌خواهانه مردم شهسوار دو جوان به اسامی احمد ظاظی (دانش‌آموز سال هشتم دبیرستان شهید بهبودی) و محمدرضا سلمی (۲۱ ساله) شهید شدند. تعداد دستگیرشدگان تظاهرات را خبرنگاران نیز بیش از ۹۰ نفر و مجروحین بیش از ۵۰ نفر ذکر کرده‌اند.

دنباله در صفحه ۲

کارگران ایران، در مبارزات صنفی و سیاسی پیشگام باشید!

www.iran-archive.com

درباره کودتای امپریالیستی و ارتجاعی ۲۸ مرداد

غرب در این کشور می‌باشد . . . ناسیونالیسم ضد انگلیسی دکتر مصدق و حملات اوطیه استعمارگران خارجی بابرنامه کمونیست‌های ایران مطابقت داشت. صرف نظر از این که دکتر مصدق با حزب توده موافق یا مخالف باشد ، این حزب از وی پشتیبانی کرد ولی هنوز حق انتقاد از وی را نیز برای خود محفوظ نگاه داشت.

. . . مصدق چند بن بار در لحظات بحرانی پشتیبانی حزب توده را رد و قبول قرار داد و البته حزب توده نیز از این موقعیت‌ها حداکثر استفاده را کرده است." (۴)

این مقاله که حقایق را نسبتاً با واقع بینی ذکر کرده است ، از سرنوشت نفوذ حزب در ایران به شدت ابراز نگرانی می‌کند .

مطالعه رسمی و رجال دولتی امریکا نیز به همین نحو اظهار نظر می‌کردند . مثلاً در نامه دولت امریکا به مصدق درباره این که اگر ایران در مسئله نفت با انگلستان به توافق نرسد ، امریکا از دادن "کمک اقتصادی به ایران خودداری خواهد کرد ، همچنین به طنز آزاد دن "کمک" که گویا دولت ایران برای به اصطلاح "فعالیت کمونیستی" قائل شده ، "ابراز نگرانی" می‌شود . (۵)

روز ۲۹ تیرماه ، وزیر خارجه امریکا در مصاحبه مطبوعاتی خود بار دیگر اعلام کرد که :

" تشدید فعالیت حزب غیرقانونی توده در ایران بنفع منافعی که دولت ایران نسبت به فعالیت حزب مزبور روا میدارد ، باعث نگرانی امریکا گردیده و موجب شده است که اعطاء کمک از طرف امریکا به ایران را مشکل سازد ." (۶)

و سرانجام آیزنهاور در مصاحبه مطبوعاتی ۱۵ مرداد ۱۳۳۲ از توسعه نفوذ کمونیست‌ها در آسیا ابراز نگرانی جدی نموده گفت:

موفقیت مصدق در رفراندم نتیجه استفاده او از کمونیست‌ها بود و امریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم در کشورهای آسیا و ازجمله در ایران باید اقدامات لازم به عمل آورد . آیزنهاور تأکید کرد که " ما مصمم به این کار هستیم " . (۷)

این تصمیم پس از ملاقات ایدن و آیزنهاور اتخاذ شد . آنان به این نتیجه رسیده بودند که زمان بر کارکردن مصدق از مقام نخست وزیری و تصویب او با آدم " مناسب تر" فرارسیده است . (۸)

مسئله راهی که امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی برای اجرای این تصمیم در پیش خواهند گرفت ، ایجاد تردید نمی‌کرد . این نقطه یک راه بود و آن هم کودتای نظامی با کمک مستقیم آمریکا . لکن مطبوعات روزنامه " نیویورک پست " در مقاله خود اشارات مستقیمی راجع به این مورد دارد ، او می‌گوید :

" دولت مصدق امسال سقوط خواهد کرد . . . این دولت به احتمال به وسیله ارتش سرنگون خواهد شد . . . ارتش ایران ، ارتش دلاوری است که بخصوص با ایالات متحده آمریکا پیوند نزدیک دارد . آمریکا ارتش ایران را با سلاح های معاصر تجهیز می‌کند و افراد آن را تعلیم می‌دهد ." (۹)

در این مقاله سپس پاسخ داده شد به این پرسش که سقوط مصدق چه تأثیری در روابط ایالات متحده با ایران خواهد داشت . در قسمتی از این مقاله سؤال پاسخ می‌دهد :

" هر دولتی که در ایران کمونیستی نباشد ، برای ما بهتر از این دولت خواهد بود ." (۱۰)

به این ترتیب تدارک کودتای نظامی که از مدت‌ها پیش طرح شده بود ، در دستور روز قرار گرفت . مخالفان دولت ایران ، آمدن ژنرال شوارتسکف را در ۱۸ مرداد به ایران و ملاقات او را با شخص شاه با تدارک کودتا مربوط می‌دانستند . شوارتسکف سابقاً رئیس مستشاران امریکایی در ژاندارمری ایران بود .

مصدق در ۲۱ مرداد اعلام کرد که بر پایه رفراندم ، مجلس را حل می‌کند . شاه نمی‌توانست با این کار موافقت کند ، زیرا صدور فرمان انحلال مجلس را از حقوق خود می‌دانست . فردای انحلال مجلس شاه فرمان عزل مصدق و نخست وزیری سرلشکر فضل‌الله زاهدی را صادر کرد . ابلاغ فرمان به مصدق می‌بایست همزمان با حمله ناگهانی واحدهای تابعه نظامی بازداشت فاطمی وزیر خارجه و برخی افسران و سرلشکر ریاحی رئیس ستاد و عده‌ای دیگر انجام گیرد .

سرهنگ نصیری فرمانده گارد سلطنتی مأمور ابلاغ فرمان شاه و بازداشت مصدق بود . ولی رهبری حزب توده ایران از امر فوق این توطئه اطلاع حاصل کرده بود . دکتر مصدق را متوجه جریان کرد . روزنامه " شجاعت " منتشره به جای " بسوی آینده " درباره این کودتا نوشت :

" محافل دولتی درباره تدارک کودتا از طریق دستاصر آزادی خواه مطلع شدند و زمانی که سرهنگ نصیری به معیت کامیون های حامل سربازان مسلح و زره پوش برای بازداشت نخست وزیر آمد ، خود او به وسیله محافظانی که در اختیار مصدق مستقر بودند ، بازداشت گردید . به این ترتیب کودتا تحقق نیافت . کسانی نظیر وزیر امور خارجه و وزیر راه که به وسیله نصیری از کار سلطنتی توقیف شده بودند ، آزاد شدند . خود شاه که برای احتیاط قبلاً به امسر ولت بود ، همراه با ملکه به هواپیمای شخصی به بغداد گریخت."

ساعت پنج بعد از ظهر ۲۵ مرداد ، طرفداران دکتر مصدق در میدان بهارستان تجمع کرد . در این حرکت شعارهایی طنین دیگر داشت . دیگر خبر نه شعر مردم است (کسانی را که با شوارتسکف‌ها ملاقات می‌کنند باید از سیراه بیرون انداخت) .

کمی بعد جمعیت مطیع شاه در کنار کاخ که به دعوت " جمعیت ملی مبارزه با استعمار " دوستراسیونی تشکیل داده بودند ، وارد میدان بهارستان شدند . آنان شعار می‌دادند " مرگ بر توطئه گران دربار " ، " زنده باد جبهه واحد مردم ایران در مبارزه با استعمار " ، " مردم ایران خواستار اخراج جاسوسان امریکایی از کشور ما است " ، " زنده باد توده مردم " (۱۱)

ولی کشور آبستن حوادث جدید بود . امپریالیسم امریکا تصمیم داشت کار را یکسره کند . چندی بعد مجله " خواندنیها " خبر داد که هنری سایر آمریکا که یک روز پس از فرار شاه وارد تهران شد ، چند ساعت پس از ورود خود با مصدق ملاقات نموده و رسماً اعلام کرد که امریکا با تمام نیرو از ادامه زمامداری او جلوگیری خواهد کرد و به مصدق توصیه کرد که استعفا بدهد (۱۲) . به طرفداران شاه در واحدهای ارتش استان‌ها دستور داده شده بود که مراکز استانداری را اشغال کنند . در خود پایتخت نیز توطئه جدیدی تدارک می‌شد .

این بار حزب توده ایران و سازمان‌های دموکراتیک نیز فریب خورده از خود هشیاری نشان ندادند . ارتجاع با تمام وسایل وارد میدان شد . شب ۲۷ مرداد تمام دارودسته‌های ناشیستی و اوباش بسیج شده به بمب‌اندازی پرداختند . رهبری حزب توده ایران کسبه نمی‌خواست در چنین لحظاتی به رویارویی کشانده شود و موجبات مداخله نیروهای ارتش و پلیس را فراهم آورد . به اعضای حزب دستور داده پراکنده شده به خانه‌های خود بروند و بهانه‌ای برای زد و خورد و تصادم به دست ندهند . کودتا روز ۲۸ مرداد انجام گرفت . امریکا نیز نیز کودتا با همپیشی و چنان عناصر ناشیست و ابهاج آغازیدند . این وضع باعث شد که نشان به ماهیت اقدامات تدارک شده بود . پیروزی نقطه درخشان ساعت ۱۰ صبح ، حرکت مشترک واحدهای نظامی این فکر را به وجود آورد که تمام این اقدامات تدارکی برای کودتا شده است . . . .

در این شرایط جدید که هراس امپراطوری و سلطنت خاص توام بود رهبری حزب توده ایران به این نتیجه رسید که لااقل موافقت مصدق و رفراندم دعوت از مردم به مبارزه با توطئه ارتجاع جلب نماید ، تا بدین وسیله حزب و سایر سازمان‌های دموکراتیک بتوانند شعار " دفاع از دولت قانونی منتخب مجلس" را اعلام دارند .

این احتمال وجود داشت که اگر حزب توده ایران مستقلاً وارد عمل می‌شد ، از دو سو در معرض آتش قرار می‌گرفت . و این ترس بی پایه نبود . نکته عمده‌ای را که باید در نظر داشت ، این است که مصدق می‌ترسید ، انحلال و تجزیه را از دست بدهد . این تصور که حزب توده ایران با استفاده از شرایط ممکن است قدرت را به دست بگیرد ، مصدق را نگران می‌ساخت . در این جا نقش ناشیانه ریشه‌دوانیست‌های انشعابی به اصطلاح " نیروی سوم" نیز تاثیر خود را باقی گذاشت . آنان که هواداران مصدق باقی مانده و اعتبار او را به دست آورده بودند ، نقش تفرقه افکنی به عهده گرفته و میان نیروهای دموکراتیک و مصدق جدایی می‌انداختند . مطبوعات این گروه تاکنون تا حدود معینی نقش هدایت کننده داشتند و به مثابه بیانگر تمایلات مصدق و اطرافیان او عمل نمایی می‌کردند . به این جهت این واقعیت که مطبوعات این گروه و سایر مطبوعات هوادار رژیم همزمان با قیام وارد میدان شدند ، ایجاد شک و بدگمانی می‌کرد . صبح ۲۸ مرداد این مطبوعات با شعارهایی علیه حزب توده ایران انتشار یافتند (۱۳) . به علاوه روزنامه‌های انشعابی از طرفی مردم را به آرامش و آسوده خیالی دعوت می‌کردند و از طرف دیگر بمب‌اندازی را دیالکتیک حزب توده ایران تحریک می‌نمودند .

مثلاً روزنامه " نیروی سوم " که به وسیله غلامعلی منتصری صدر در روز کودتا سرمقاله‌ای منتشر کرد که در آن به صراحت گفته می‌شد که اکنون دیگر از طرف شاه خطری وجود ندارد ، خطر عمده از جانب حزب توده ایران است (۱۴) . روزنامه دیگر این دارودسته ، یعنی روزنامه " رهایی کاروان بشر " که به وسیله انور رهامه‌ای ، یکی دیگر از انشعابیون انتشار می‌یافت ، نوشت : پس از سرکوب دربار ، این مرکز جنایت و توطئه نباید حزب توده ، این مرکز خیانت را ریشه‌کن کرد (۱۵) . این مقاله‌ها نسبت به شعار حزب توده ایران درباره ایجاد جبهه واحد عدم اعتماد به وجود می‌آوردند و ابهامات را می‌کردند .

رهبری حزب توده ایران با توجه به مراتب مذکور تصمیم گرفت با مصدق بنشیند و درباره فعالیت خود با او توافق کند . اتحاد کسی خود را برای اقدام اعلام دارد و به او توصیه کند که از او بر مردم را برای مبارزه دعوت نماید . ولی مصدق اظهار داشت که او بر وضع مسلط است ، نیازی به اقدام نیست و هراقدامی می‌تواند فشار بهانه‌ای برای بیرونکشیدن گردد . در قطعنامه چهارمین پلنوم کمیته مرکزی " درباره عملکرد رهبری حزب توده ایران در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ " در این مورد گفته می‌شود :

اعضای هیئت اجرائیه " . . . پس از شکست کودتای ۲۵ مرداد با آن که خطر کودتا را بیش‌بینی می‌کردند ولی وقوع آن را بدین نزدیکی نمی‌دیدند . پس از شروع کودتا و بروز ابهام در درک ماهیت حوادث روز ۲۸ مرداد برای آن که مبادا اقدامی در جهت مخالف سیاست مصدق بکنند ، به مصدق تلفن کردند ، بدان اکتفا نمودند و به اطمینان دادن او که دولت بر اوضاع مسلط است اطمینان یافتند و پس از آن که حادثه بسط یافت و جنبه خطرناک آن آشکارتر شد مجدداً به مصدق تلفن کردند و وقتی مصدق گفت کاری از من ساخته نیست ، هرکاری از دستتان برمی‌آید بکنید ، اول کار را از کارگذشته شمردند و سپس در ساعت ۳ بعد از ظهر خواستند کاری کنند ولی ارتباطات حزبی در اثر سرکوب و بعد از ظهر . . . عملاً فلج شده بود ."

تردیدی نیست که لحظه مناسب از دست رفته بود . اگر در صبح اقدام می‌شد ، این کار می‌توانست مزایای زیرین را داشته باشد :

۱) ارتجاع هنوز کارآرایش نیروهای خود را به پایان نرسانده بود .

۲) افسران ارتش سکوت بود در حال تشتت باقی بمانند ، زیرا بخشی از آنان خود را تابع دولت و وزارت دفاع بخشی مصدق می‌دانستند و بخش متزلزل نیز به کمک اقدامات مردم که ضامن پیروزی مصدق بود ، می‌توانست به جنبش بپیوندد و برای این کار محمل قانونی یعنی دستور نظام بالاتر در دست داشت . ولی این بخش افسران که عدم فعالیت از جانب مصدق و مردم و رویدادهای پیروزی ارتجاع را می‌دید ، در نتیجه دوم روز ۲۸ مرداد موضع‌گیری خود را به سود ارتجاع انجام دادند .

۳) پس از ظهر روز پیروز خبر داد که نظامیان قدرت را در این شهر به دست گرفته‌اند .

۴) کمی بعد باید بدون تهدید به وسیله توطئه‌گران اشغال شد و زاهدی که از تبعیدگاه خود بیرون آمده بود ، از رادیو اعلام کرد که طبق فرمان شاه مقام نخست وزیری را به دست گرفته است .

۵) و سرانجام کرد آوری تمام نیروها اکنون به مراتب دشوارتر و لذا اقدام با خطر بحرانی بیشتری همراه بود .

چنین بود اوضاع و احوال در روز کودتا که هرساعت آن شرایط جدیدی پدید می‌آورد و وضع را تغییر می‌داد . و این خاصیت طلبی که رهبری حزب نتوانسته در این روز کاری انجام دهد .

ولی هرقدر هم این عوامل قوی باشند ، چهارمین پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران آنها را برای این که حزب در روز کودتا ناظر حادثه حوادث باقی بماند ، کافی نمی‌داند . در قطعنامه این پلنوم گفته می‌شود که طی رژیم دلل مبنی امکان استفاده از شرایط مساعد وجود داشت و حزب " می‌توانست دست به اقدامات موثر و مجدانه بزند " .

جای بحث نیست که اگر تزلزل و نوسان خاص بورژوازی ملی نبود ، حوادث کاملاً در مسیر دیگری جریان می‌یافت . اضافه نظریه یکپارچه مصدق نسبت به دارودسته‌های ناشیستی به آنان امکان داد تابه نیروی کم بیش متشکل بدل شوند و در لحظه لازم ضربات جدی به جنبش وارد سازند . باقی ماندن مستشاران نظامی امریکا در ایران و نیز موسسه‌ای که برای تحقق " اصل چهارم ترومن " ایجاد شده بود ، برای توسعه جاسوسی و توطئه‌های ضد انقلابی شرایط فراهم می‌آورد . از اخبار روزنامه‌های دموکراتیک معلوم می‌شود که زاهدی تا روز کودتا در ساختمان " اصل چهارم " پنهان بود . روزنامه " مردم " اطلاعاتی منتشر کرد حاکی بر این که بانک ملی ایران در روز کودتا طبق چک شماره ۷۰۳۳۲ صادره از طرف مدیر عامل موسسه " اصل چهارم " مبلغ ۲۲/۶ میلیون ریال در ازاء ۳۹۰ هزار دلار به سران بسیج گروه‌های هوادار ارشاء پرداخت کرده است (۱۶) .

ضعفی که مصدق در برابر مرتجعین خدا از نشان می‌داد ، دنیا بخشودنی است . آنان که در انواع توطئه‌ها دست داشتند ، یا آزاد به سر می‌بردند و یا پس از بازداشت دوباره آزاد می‌شدند تابه فعالیت کثیف خود ادامه دهند . و سرانجام مصدق به نیروی از اجتماع و امکانات شاه در ارتش کم بها می‌داد . او نگرفی کرد که باید دست گرفتن مقام وزارت دفاع و انتصاب شخص مورد اطمینان خود به ریاست ستاد (در ۹ اسفند) می‌تواند ارتش را تابع خود سازد . به همین جهت بود که مصدق نسبت به تمام تذکرات احتیاطی و به تمام نشانه‌های کودتای در حال تدارک بی‌اعتنایی می‌نگریست .

حزب توده ایران بارها وجود خطر را به مصدق تذکر داد . حزب توده ایران در ۱۶ شهریور ۱۳۳۱ پس از پیروزی مردم در ۳۰ تیر نامه سرگشاده‌ای به مصدق نوشت که در آن گفته می‌شد :

" آقای دکتر مصدق نخست وزیر ! توطئه‌ای به صورت یک کودتای نظامی علیه استقلال و حاکمیت ملی ایران در ظرف تکوین است که بی‌گمان شما نیز بر آن وقوف دارید . ملت ایران می‌خواهد بداند ، در برابر توطئه خطرناکی که هدفی جز لگدمال کردن پیروزی‌های نهضت ملی ایران ندارد ، چه نقشه‌ای از جانب شما به عنوان رئیس دولت طرح شده است . . . " (۱۷)

در نامه پس از شرح نارضایتی مبارزه مردم درباره ملی کردن صنعت نفت چنین می‌آید :

" . . . امپریالیست‌ها در این مرحله به کسی احتیاج دارند که مانند شما این همه تعهد در برابر ملت نسپرده باشد و آسان‌تر از شما بتوانند عقب کرد کند . . . از این جهت از ماه‌ها پیش امکان وقوع کودتا نمایندی در ایران بیش‌بینی می‌شد . . . " (۱۸)

هشدار " جمعیت ملی مبارزه با استعمار " در پیام ۷ ارد بهشت ۱۳۳۲ صورت بازهم مشخص‌تری دارد . در این پیام گفته می‌شد که به رهبری شاه و چند رسن و سفیر امریکا به کشتاگشانی ، رئیس مجلس شورا یک کودتای نظامی در حال تکوین است که براندا ختن دولت مصدق و سرکار آوردن سرلشکر زاهدی و با حسین علاء هدف آن است (۱۹) .

مصدق به تمام این هشدارها با نظر بی‌اعتنایی می‌نگریست و حتی زمانی که روز و ساعت دقیق کودتایی که می‌بایست به دست سرهنگ نصیری انجام گیرد ، به مصدق اطلاع داده شد ، او اقدامات احتیاطی به عمل نیاورد و فقط زمانی که خبر در شد که واحدهای مأمور کودتا وارد میدان شده‌اند ، دست به کار شد .

رهبری حزب توده ایران نیز در خور سرزنش است . زیرا با این که حزب ، به طوری که پس از کشف سازمان افسری معلوم شد ، بیش از ۶۰۰ افسر از رسته‌های مختلف ارتش در اختیار داشت ، اقدامات لازم به عمل نیاورد .

علاوه بر این ها باید اضافه کنیم که هم مصدق و هم حزب توده ایران پس از فرارهای دو جانبه تحت تأثیر قرار گرفتند .

در حزب توده ایران در فاصله ۴ روزی که میان حمله اول ارتجاع در ۲۵ مرداد و بیرونی دوم آن که به کودتای ۲۸ مرداد منجر شد ، از تمایلات چپ روانه اوج گرفت . رهبری حزب نتوانست از این چپ روی جلوگیری کند و در نتیجه شعار جمهوری دموکراتیک توده‌ای اعلام شد و این امر از طرف مصدق به مثابه کوشش برای برکنار کردن او و به دست گرفتن حکومت از جانب حزب توده تلقی گردید .

اشتباهات حزب توده ایران در قطعنامه‌های چهارمین پلنوم کمیته مرکزی به شرح زیر تعیین شده است :

۱) سیاست مبارزه پیروزی بورژوازی ملی و دولت مصدق که ناشی از چپ روی و سکتاریسم در تاکتیک حزب بود ، به ویژه برخی اقدامات چپ روانه در فاصله بین ۲۵ تا ۲۸ مرداد موجب رنجیدگی بورژوازی ملی شده بود .

۲) عدم آمادگی و تدارک حزب برای مقابله با کودتا ، اگرچه حزب از یک سال پیش یعنی از زمان سرکار آمدن قوام خطر کودتا را پیش‌بینی می‌کرد .

۳) غلط رهبری حزب و سرکوبه‌ای که در نتیجه موفقیت (به ویژه پس از شکست اولین حمله ارتجاع در ۲۵ مرداد) ، ناشی از آن شده بود .

۴) عدم تشخیص ماهیت کودتایی حوادث ۲۸ مرداد در رفتار دیر بهادادن به امکانات و قاطعیت مصدق ، کم بهادادن به امکانات دشمن و نفاق هرگونه تحرک از جانب رهبری در قبال کودتای ۲۸ مرداد ، عدم اقدام به بسیج مردم که برای

دنباله در صفحه ۴

اعتصاب ۱۸۰۰ کارگر چیت سازی بهشر

حدود ۱۸۰۰ کارگرزن وبرد کارخانه چیت سازی بهشهر فروردین گذشته ۲۱ جوزا در به دنبال اعتراض به شرایط دشوار کار و عدم توجه کارفرمایان به خواست های حقانی خود، اعتصاب گسترده ای را آغاز کرده اند.

کارگران هرروز در محوطه کارخانه اجتماع می کنند و با کارچکسی کامل از وقتی به قسمت های مختلف خود داری می ورزند. کارگران اعتصابی زنان وبرد انی هستند که در دشوارترین شرایط طی هفته در کارخانه کاری کنند. سندیکای کارگران کارخانه های چیت سازی بهشهر طی تلگرامی برای مقامات مختلف (از جمله سازمان فرمایشی کارگران وسنداری مازندران) از بی توجهی مدیریت کارخانه به خواست هایشان شکایت کرده اند ونوشته اند که مدیریت کارخانه به جای توجه به خواست های منطقی ما از پذیرفتن نمایندگان کارگران خود داری کرده و کارخانه را ترک کرده است و در نتیجه کسی نیست که به حرف های ما گوش کند. کارگران کارخانه مسائل وخواست های خود را به شرح زیر مطرح کرده اند:

۱- پائین بودن دستمزدها؛ ۲- عدم تقسیم سود ویژه به طور عادلانه؛ ۳- عدم پرداخت ده درصد اضافه کاری برای هفته شبانه؛ ۴- عدم رفع نواقص طرح طبقه بندی مشاغل کارخانه؛ ۵- ندادن حق بازنشستگی به کارگرانی که به سن بازنشستگی رسیده اند؛ ۶- وجود اختلاف حقوق مالیاتی بین واحد های مختلف کارخانه؛ ۷- کسر شدن سود از سهم کارگران بیکار؛ ۸- کم مرخصی سالیانه؛ ۹- عدم پرداخت مدیریت در کارخانه.

کارگران با اعتصاب یکپارچه وسازمان یافته خود چرخ های کارخانه را از حرکت باز داشته اند تا به کارفرمایان حریص وخارتگر خود نشان دهند که آقای واقعی کارخانه کیست؟ او که با غارت دسترنج کارگران زندگی طفیلی وباری را می گذراند یا همچون کسی بی رحمانه از کارگران و مشقت شبانه جان آن هاسر شریک خود می افزاید یا کارگرانی که اندامه

جنبش ها و مسائل کارگری

خواهند بسته به کارآنهاست وتمامی این ثروت ها با نیروی کارآنها تولید شده. کارگران اعتصابی می خواهند که بدانند تا چیزی از آنچه که بغما برده شده به آنها بازگرداند شود تا فکر خود وخانواده خویش را سیر کنند واولیه ترین شرایط زیست انسانی را داشته باشند. وبل می خواهند که به شرایط دشوار کارشان توجه کنند کان بی نصیب ثروت های اجتماعی اند کی توجه شود. آیا این خواست بزرگ است؟ کارگران می دانند که سرمایه داران هرگز به حل خود توجه کوچکترین گذشت وتوجهی نسبت به سرنوشت آنها نخواهند کرد و آنها باید در سایه تشکل و پیگیری مبارزه وهمکاری واتحاد با برادران طبقاتی خویش، خواست های خود را به استثمارگران بقبولانند.

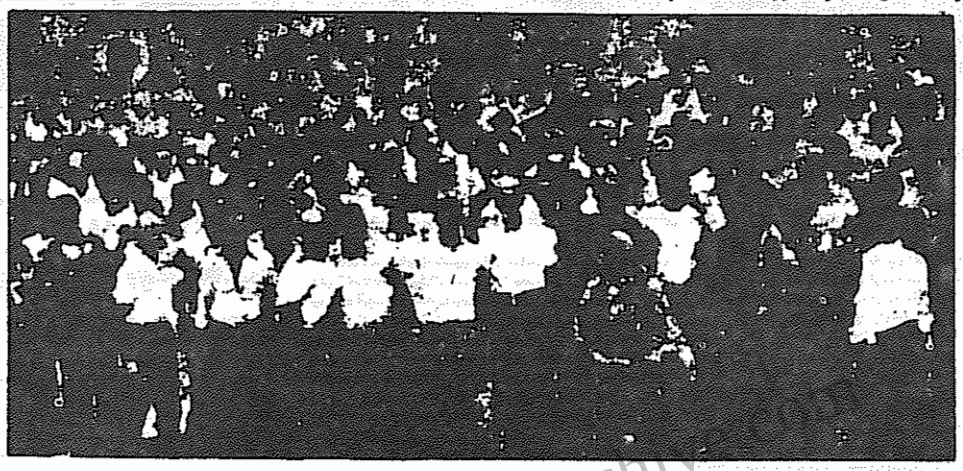

خیمه شب بازی رژیم ضدکارگری شاه ـ ساواک

در حالی که تنها حرکت و مبارزات فزاینده ضد دیکتاتوری وآزادی خواهانه توده ها وبخصوص مردم، رژیم را به سختی به تنگنا انداخته و به رسوایی و پرشکستگی کشانده است، رژیم درمانده و لرزان "شاه ـ ساواک" مذبوحانه می کوشد تا با کارگردانی خیمه شب بازی های مهوع و ترتیب دادن نمایشات تلویزیونی، کارگران ایران را بفریبد و از دفاع خود جلوه دهد. غیر این تنها حرکت معلوم الحال که با آب و تاب و حاشیه های وجود بسیار در روزنامه های گوسفندی و رادیوها و تلویزیون های باوه برد از دولتی منعکس می شود، جز پوزخند تمسخر برلب مردمی که به ریاکاری ها وشعبده بازی های رژیم منگل به سرشتم و ارباب شاه آگاهند، نمی آورد. رژیمی که تا آرنج هایش به خون شهدای کارگرآغشته، رژیمی که هر اعتراض وخواست حقه زحمتکشان را با اخراج و زندان و شکنجه و گلوله پاسخ داده، رژیمی که قساوت آن در سیه خون کشاندن اعتصاب واحتجاج مسالمت آمیز کارگران جهان چیت، کارگران نساجی شاهی، کارگران چیت تهران، کارگران کوره پزخانه ها وده ها کارخانه وواحد تولیدی دیگر، سیاه ترین وخونین ترین اوراق تاریخ معاصر ایران را تشکیل می دهد، رژیمی که از بحران شدید و عمیق ترین مقررات سرکوب نظامی و امنیتی را در این کارگاه ها و کارخانه ها برقرار ساخته است، رژیمی که با خشونت حیوانی هر تشکل صنفی وسیاسی اصیل کارگری وهر حرکت مترقیانه را در درون این طبقه مبارزه استوار انقلابی که رسالت نهایی او کندن گور استبداد واستثمار است در هم می کوبد، اینک سخن از حمایت بی دریغ کارگران ـ ایش دشمنان قسم خورده و آشتی ناپذیر رژیم آریامهری ـ می راند. عجبا! چه وقاحتی! کارگران شریف ایران که دشمن واقعی خود را در سیمای کریه رژیم استبدادی شاه به عینی شناخته اند، با شرکت فعال در تظاهرات اعتراضی و مبارزات ضد دیکتاتوری ماه های اخیر، میزان پشتیبانی خود را از رژیمی که با تمام قامت به امپریالیسم جهانخوار تکیه دارد، نشان داده و می دهند. این عناصر پوزبند که این با این قدری مضحک ورسوا نشانهٔ سرگشتگی چی چارگی ولاعلاجی رژیم نیست؟

کارگران ایران پاسخ این صحنه سازی های چند نفر آدم پوش خرمانه را با تشدید مبارزات متشکل و آگاهانهٔ خود، در پیشاپیش جنبش عمومی خلق، خطیر رژیم استبدادی وضد کارگری شاه خواهند داد.

نامه یک راننده کامیون از شرکت توزیع سیمان تهران

توطئه علیه اتحاد رانندگان

من یکی از صدها راننده کامیونی هستم که توزیع سیمان تهران را به عهده دارد. زیر نیغ آفتاب تابستان سیمان توزیع می کنیم و از ساعت ها کارطاقت فرسا تنها نانی برای زن و فرزندمان که از همه امکانات یک زندگی عادلانه محرومند، می بریم. گردانندگان فاسد کارخانه با گرفتن رشوه وحق حساب چشم طمع به این لقمهٔ نان دوخته اند. آن چنان که همه رانندگان جانشان به لب رسیده است. بی پرده به این شیوه بی رحمانه بهره کشی اعتراض می کنند. برای ادامه رشوه گیری از رانندگان هر چند وقت یک بار شیوه های جدیدی وضع می کنند. مرا اعتراض به همین شیوه ها تا کنون رانندگان چندین بار دست از کار کشیده اند و بارها نزدیک دستور کارفرما در پارکینگ کارخانه را رو رانندگان پیاده آن هاست اند. هم اکنون که این نامه را می نویسم کارفرمایان با رانندگان را زیر فشار گذاشته اند واعلام داشته اند برای گرفتن نوبت باید فقط ساعت ۲ بعد از ظهر به پارکینگ کارخانه مراجعه کنیم تا حواله سیمان بگیریم. تاکید بر این که سرساعت مشخص باید برای پارکینگ و دریافت حواله مراجعه کنیم باعث شده تا در جاده بسا به سرعت رانندگی کنیم تا سرساعت برسیم. این شرایط برای آن دسته از رانندگان که به شهرستان ها می روند غیرقابل تحمل است. کارفرما در حالی چنین شرایطی را می خواهد به رانندگان بقبولاند که رانندگان سالهاست با عراق یک نفره قرقره وقتی از کارخانه باز می گشتند کامیون هایشان را در پارکینگ بشدت سرد هم پارک می کردند و خود به خود نظمی را رعایت می کردند. من تجربه ۱۰ سال رانندگی کامیون های از زیر سیمان را بشدت سر دارم وخطی خوب می دانم که مسئولان کارخانه با اجرای این برنامه می خواهند بین رانندگان اختلاف بیاندازند و از اتحاد آنها جلوگیری کنند و در صورت پیاده شدن نقشه شان هم پلیس می خواهند برسر رانندگان بیاورند که یکی از این بلاها گرفتن رشوه برای جلو انداختن نوبت در پاک حواله سیمان است. آن ها تصور می کنند با اجرای این برنامه جدید رانندگان را آن که زودتر از یکدیگر نوبت بگیرند به جان هم خواهند افتاد در حالی که خیلی از آن ها مانند من بنا بین نقشه فریبانه پی برده اند وبه این هدف در هم کوبیدن اتحاد رانندگان است. ولی ما هرگز نخواهیم گذاشت آن خانه این هدف پلید خود برسند. ما می دانیم که مشکل ما تنها با اتحاد و مبارزه یکپارچهٔ ما برطرف می شود.

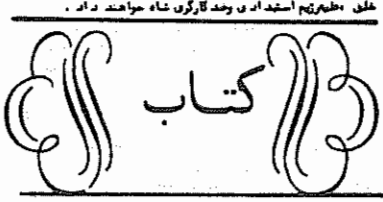

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد

«لنین»

www.iran-archive.com

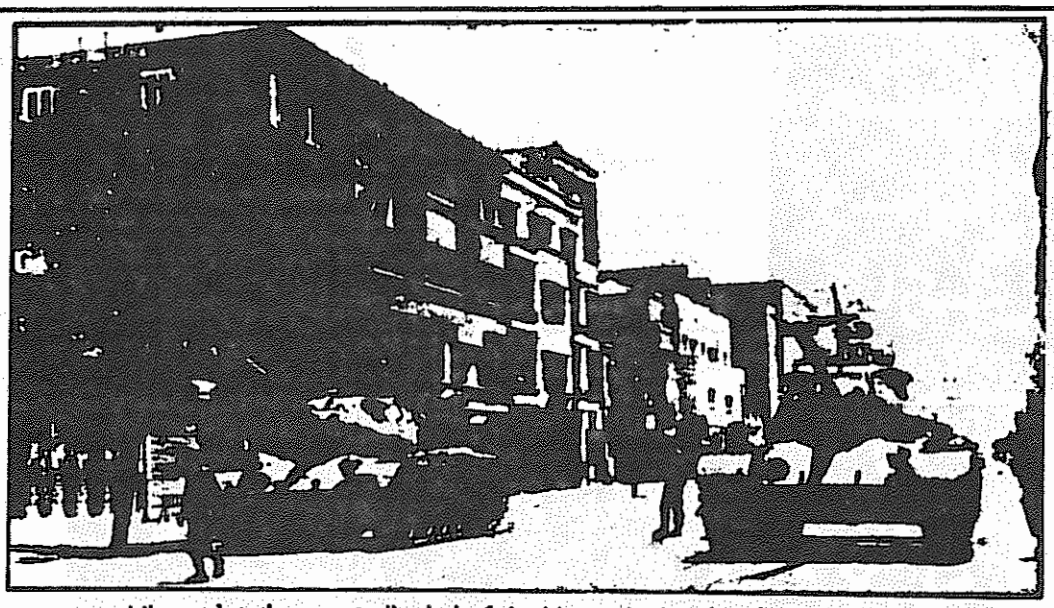

۲۸ مرداد ۳۲، با حرکت تانکهای ارتجاع در خیابان‌ها، کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد به وقوع می‌پیوندد.

دنباله

کودتای امپریالیستی وارتجاعی ۲۸ مرداد

مبارزه آشتی‌ناپذیری داشتند. در نتیجه روز ۲۸ مرداد از بی‌نیازی ملی که به صورت استقلال از حمدی و احتراز از اقدام مستقل سریع براساس تحلیل صحیح جریان درآمد.

تمام آنچه گفته شد سیر اجرای موفقیت کودتایی که به وسیله دربارنا و مستقل نظامی بیاگاه مستقیم امپریالیسم امریکا انجام گرفت، امکان به وجود آورد. آیزنهاور مرغین جمهور امریکا در باره نقش این کشور در کودتای ایران با صراحت می‌گوید: «در نتیجه کمک امریکا به ایران بار دیگر آزادی نجات یافت» (۲۰).

نامه سرمقاله‌ای که ضمن روزنامه صاحب بزرگترین انتشارات نفتی "استاندارد اویل‌اف نیوجرسی" چند سال پیش از کودتای ۲۸ مرداد به آیزنهاور رئیس‌جمهور به وضوح تمام نشان می‌دهد که سیاست امریکا در ایران از منافع چه کمپانی دفاع می‌کرد و سیری اوامر چه کسانی بود. روزنامه در این نامه از سیاست امریکا در کره جنوبی، تایوان، ویتنام جنوبی و غیره به علت این که رفتن سیاست جنبه‌های نظامی مسئله به زیان عوامل اقتصادی بیش از حد تکیه می‌شود، انتقاد می‌کند و سیاست امریکا را در ایران به عنوان نمونه‌ای از سیاست صحیح ذکر کرده می‌نویسد: "نمونه عملی آن چیزی که من در نظر دارم، قضیه ایران بود که به طوری که شما به یاد دارید من مستقیماً با آن سروکار داشتم. ما از راه کمک اقتصادی و سیاسی به دولت ایران راه یافتیم و اکنون در اقتصاد این کشور موقع مسلط می‌یابد. از به دست آورده ایم. تحکیم مواضع اقتصادی ما در ایران به ما امکان داد تا تمام سیاست خارجی این کشور را دست کنترل خود در آوریم و به خصوص ایران را برای ورود به پیمان بغداد تا تسلیم سازیم." (۲۱)

به این ترتیب جنبش آزادی بخش خلق‌های ایران در نتیجه سلطه مشترک امپریالیسم امریکا و انگلیس و ارتجاع داخلی بار دیگر شکست خورد. تزلزل و خصلت دوگانه بورژوازی ملی به میزان زیادی به این امر کمک نمود. این عامل نیز که نیروهای دموکراتیک به ویژگی‌های لحظه پی نبردند و از تمام امکانات ناشی از این ویژگی‌ها استفاده نکردند، موفقیت ارتجاع را تسهیل نمود....

در نتیجه اوضاع نامساعد بین‌المللی، مدود لیو و تردید بورژوازی ملی و اشتباهات بزرگ رهبری حزب ما، جنبش آزادی بخش ملی مردم ایران به آن حد کامیابی‌هایی که به دست آورده بود سرکوب گردید و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که نقشه آن را امپریالیست‌ها طرح کرده بودند عملی گردید. آنچه در این زمینه می‌رود به اشتباهات رهبری حزب ما است. مهمترین چهار موضع کمیته مرکزی چگونگی آن تأثیری را که این اشتباهات در شکست جنبش داشته است ترازبندی و ارزیابی کرده است. ولی به استناد این اشتباهات نمی‌توان نقش بزرگی را که حزب توده ایران در تاریخ جنبش رهایی بخش مردم ایران داشته است، نادیده گرفت و یا آن را کوچک ساخت. امروز هم مردم ایران چشم امید خود را به حزب ما که به مثابه سازمان نابه‌ترین ما زمان انقلابی ضد استعماری و دموکراتیک و اطمینان دارند که در مبارزه‌ی آینده نیز حزب ما نقش مهمی را ایفا خواهد نمود... باید از درس‌های شکست عبرت گرفت. اشتباهات را بسیار دقیق مورد بررسی قرار داد و علل و عواقب آن را روشن کرد. باید از تجارب مثبت و کامیابی‌های فراوان اجتماعی ما غافل شد. توجه به این جهات نیروی ما را در نبرد و اطمینان طرفداران به پیروزی تقویت می‌کند.

نقل از کتاب:
"تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی در ایران"
تألیف رفیق فقید احمد قاسمی

(۱) روزنامه "پرچم" ۱۰ اوت ۱۹۵۳.
(۲) روزنامه "سوی آینده" شماره ۷۱۴.
(۳) مصطفی فاتح. "پنجاه سال نفت ایران" صفحه ۶۶۲.
(۴) همانجا، صفحه ۶۶۳.
(۵) روزنامه "پرچم" ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۳.
(۶) مصطفی فاتح. "پنجاه سال نفت ایران" صفحه ۶۶۱.
(۷) همانجا، صفحه ۶۶۲-۶۶۳.
(۸) روزنامه "پرچم" ۹۰ اوت ۱۹۵۳.
(۹) و (۱۰) روزنامه "کارگر" ۱۶۰ ژوئیه ۱۹۵۳.
(۱۱) روزنامه "شاهد" ۲۵۰ مرداد ۱۳۳۲.
(۱۲) روزنامه "پرچم" ۲۳۰ اوت ۱۹۵۳.
(۱۳) جزوه "۲۸ مرداد" منتشره از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران، صفحه ۴۹.
(۱۴) روزنامه "نیروی سوم" ۲۸۰ مرداد ۱۳۳۲.
(۱۵) روزنامه "رهائی کارمند پیشه" شماره ۲۰۲۴ مرداد ۱۳۳۲
(۱۶) روزنامه "مردم" ۶۰ شهریور ۱۳۳۲.
(۱۷) و (۱۸) روزنامه "رزم ایران" منتشره به جای "سوی آینده" ۱۶ شهریور ۱۳۳۱.
(۱۹) روزنامه "شهباز" ارگان "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۲.
(۲۰) مجله "تهران مصور" ۲۵۰ اسفند ۱۳۳۶.
(۲۱) روزنامه "پرچم" ۱۸۰ فوریه ۱۹۵۴.

اوج‌گیری تظاهرات خونین در شهرهای کشور

دنباله از صفحه ۱

تظاهرات شهیور را با شرکت نزدیک به هزاران از مردم از صبح ۲۳ مرداد آغاز شد. عده زیادی از تظاهرکنندگان زنان چادری بودند. آنها در خیابان‌ها به راه افتادند و سرنگونی رژیم فاشیستی شاه و آزادی بازداشت‌شدگان را در شعارهای خود فریاد کردند. تظاهرات آرام مردم با حمله پلیس و فرار از وحشیانه حمام خون بدل شد.

تظاهرات زیر نقاب در بهبهان

تظاهرات گسترده مردم بهبهان که روز دوشنبه ۲۴ مرداد ماه جاری نیز از شهر را فرا گرفت یک شهید و ده‌ها مجروح برجای گذاشت. تظاهرکنندگان که گروهی از آنان برای پنهان نگاه داشتن هویت خود از پلیس دزد و مأموران امنیتی نقاب به چهره زده بودند میلیشیا گر در خیابان‌ها و اماکن سرپوشیده طبقه شاه و دار بدست آدمکشان ورزیده ایدهای دادند به کشتار آزادیخواهان در شیراز و اصفهان اعتراض می‌کردند. آن‌ها در اوج شعارهای حزب شده فریاد رستاخیز را به منزله سمبل رژیم دیکتاتوری به آتش کشیدند و به چند خانه حمله بردند. گلوله باران بیرحمانه پلیس، تانکهای موجی از آتش و سرب داغ را به روی تظاهرکنندگان پاشید. مجروحین به بیمارستان پهلوی بهبهان منتقل شدند. اما دیگر تظاهرکنندگان با دست خالی به مقابله با گلوله‌های مسلح شاه پرداختند.

به دنبال این حادثه خونین بازار و کلیه مغازه‌های شهر به عنوان اعتراض به جنون آدمکش رژیم و تأسفی بیرحمانه مأموران و شرکت در اعتراض گسترده مردم سراسر کشور مغازه‌های خود را تعطیل کردند.

شهادت یک دانش‌آموز در داراب

به عنوان اعتراض به جنایات رژیم در شیراز و اصفهان و به خاطر کشتن صدها آزادیخواه در این دو شهر مردم داراب در روزهای ۲۳ و ۲۴ مرداد ماه تظاهرات گسترده‌ای برپا داشتند. تظاهر کنندگان خشمگین با شعارهای ضد رژیم به شعبه‌های گروه کشور و چوب و سنگ به چند اداره دولتی حمله کردند. پلیس جمعیت را به گلوله بسته و رژیم‌ستیز دانش‌آموزی به نام مهدی خاکپور به شهادت رسید و ده‌ها تن از تظاهرکنندگان مجروح شدند. به دنبال این روش سبعانه کلیه مغازه‌های شهر به عنوان اعتراض تعطیل شد و عزای عمومی اعلام گردید.

تظاهرات تهران و دیگر شهرها

گزارش‌هایی که به دست رسیده حاکی از اوج‌گیری تظاهرات و تحرکات اعتراضی مردم و اعتصابات گسترده در شهرهای بزرگ و کوچک کشور است. قم، مشهد، تبریز، قزوین، کرمان، اهواز، بابل، شاهرود، ساری و شهرهای مردم و همچنان آن حافظه دیکتاتوری نامه و جنایتکار شاه و رژیم سرسپرده و توجه مآب آورده‌اند. در تهران طی هفته گذشته ده‌ها صحنه عصیان و تظاهرات در خیابان‌ها و محلات مختلف به وجود آمد که طی آن ده‌ها نفر دستگیر و ده‌ها نفر مجروح گردیدند. این تظاهرات که همه جا با شعارهای ضد استبداد و آزادیخواهانه همراه بود، در چند جا که تجمع گسترده مردم با پلیس درگیری مردم با پلیس شد و هزاران تظاهرکننده با اژدهای پلیس گلاویز شدند. چند افسر و سرباز پلیس نیز در اثر تظاهرکنندگان در گیرودار این زد و خورد به شدت مجروح شدند. در چند ان شیراز و اطراف مسجد امام حسین تظاهرکنندگان با نیروهای ارتش وارد مبارزه شدند. در میدان و خیابان خراسان، خیابان صفاری، خیابان شاهزاده و اطراف مسجد ابوالفضل، خیابان کین، خیابان قرنی و سلان و نظام آباد جنوبی و ده‌ها نقطه دیگر طی هفته گذشته تظاهرات گسترده و خشونت آمیزی صورت گرفت که اکثر آن‌ها منجر به درگیری تظاهرکنندگان با نیروهای پلیس و ارتش شد. نیروهای پلیس و ارتش در مراکز مهم با شدت متمرکز شده‌اند و شهر صحنه به صورت غیر رسمی زیر سایه حکومت نظامی است.

بازار تهران هفته گذشته در هفتمین روز شهدای شیراز و اصفهان تعطیل عمومی برپا داشت و مراسم سوگ شهدای این دو شهر را با شکوه بسیار برگزار کرد.

متحد شویم و رژیم استبدادی شاه را سرنگون کنیم!